

«مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان» و اثر آن بر «تنظیم رفتار اجتماعی» از دیدگاه قرآن کریم

محمد داوری*
غلامرضا صدیق اورعی**
محمدسعید عبدخدایی***

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار افراد و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن است. سؤال اصلی پژوهش این است که: «مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟». این تحقیق با روش کیفی «گراندد تئوری (نظریه زمینه‌ای)» با مراجعه به همه آیات قرآن و کدگذاری و تحلیل آیات مرتبط انجام گرفته است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که: ۱. نظارت خداوند بر رفتار انسان به سه شکل نظارت مستقیم خداوند، نظارت مأموران الهی و ثبت و ضبط شدن کنش‌های انسان و آشکار شدن آنها در قیامت انجام می‌گیرد؛ ۲. آگاهی از این مکانیزم‌ها و باور به آنها، سبب تنظیم رفتار انسان می‌شود و نابهنجاری‌ها را کنترل می‌کند؛ ۳. استخراج آموزه‌های قرآن در این باره می‌تواند کمک مؤثری به مسئولان نظام اسلامی برای تنظیم رفتار افراد جامعه و مقابله با نابهنجاری‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: نظریه زمینه‌ای، نابهنجاری، رفتار، کنترل اجتماعی، نظارت خداوند، نظارت فرشتگان، کنترل درونی

Email: Mdavari42@gmail.com
Email: sedighourae@um.ac.ir
Email: abdkhoda@um.ac.ir

* دانشجوی دکترا و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
** عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
*** استادیار روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۲۹

مقدمه

جوامع بشری همواره به دنبال وادار ساختن اعضای جامعه خود به تبعیت از اهداف، ارزش‌ها و هنجارهای مقبول بوده است؛ به همین سبب، جوامع سعی در درونی کردن این ارزش‌ها و هنجارها در افراد، از طریق متقاعد کردن آنان در مرحله جامعه‌پذیری داشته‌اند. بدین ترتیب، اولین مرحله از کنترل رفتار در مرحله جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. مرحله‌ای که هنجارها و ارزش‌ها به شکل مناسب به افراد آموزش داده می‌شود و در آنان درونی می‌گردد. جوامعی که در مرحله جامعه‌پذیری، نتوانند رفتار اعضای خود را با آموزش‌های به موقع و با استفاده از کنترل درونی، تنظیم کنند، مجبور خواهند بود که در آینده با انواعی از کنترل‌های بیرونی، اعم از خشن و غیر خشن و با ابزارهای مختلف و با صرف هزینه‌های زیاد، رفتار اعضای نابهنجار جامعه خود را کنترل نمایند؛ بنابراین، پیشگیری از رفتارهای نابهنجار از طریق کنترل‌های درونی، یکی از نیازهای ضروری جوامع است.

از سوی دیگر، شیوع گسترده نابهنجاری‌ها در هر جامعه‌ای حاکی از عدم تنظیم رفتار اعضای آن جامعه است. آمار ارائه شده درباره نابهنجاری‌های اجتماعی در جامعه ایران، حاکی از آن است که شیوع تأمل برانگیز رفتارهای نابهنجار در شکل‌های گوناگون، عواطف جامعه اسلامی ایران را جریحه‌دار کرده و موضوع صیانت از کیان دینی جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن را به یک «مسئله اجتماعی» تبدیل کرده است. به لحاظ نظری نیز هنوز نظریه‌ای دینی برای کنترل رفتار افراد و مهار نابهنجاری‌ها براساس نگاه جامع به منابع اسلامی (آیات و روایات) ارائه نشده است؛ علاوه بر این، برای مقایسه نظریه اسلامی با نظریه‌های ارائه شده درباره تنظیم رفتار و پیشگیری از نابهنجاری‌ها و تعیین موارد انطباق و همخوانی این نظریه‌ها با دیدگاه اسلامی، به استخراج آموزه‌های دینی و ارائه آن در قالب نظریه‌ای منسجم نیاز است. بنابراین، یکی از مسائل مورد نیاز برای کنترل و پیشگیری از نابهنجاری‌های اجتماعی در جامعه اسلامی ایران، ارائه دیدگاه قابل قبول برای تنظیم رفتار و مهار نابهنجاری‌ها از دیدگاه اسلام است.

یکی از راهکارهای کاربردی و معمول جوامع برای تنظیم رفتار و کنترل کنش‌های کجروانه، ایجاد کنترل درونی (خودکنترلی) در افراد است. یکی از موارد مؤثر در تقویت این نوع از کنترل، آگاهی فرد از نظارت دیگران بر رفتار اوست؛ به‌ویژه دیگرانی که برای او مهم هستند یا اینکه قدرت مجازات او را دارند؛ بنابراین، یکی از عوامل تنظیم رفتار در جامعه اسلامی، «ایمان به نظارت دائمی خداوند بر کنش‌های انسان» است. به همین سبب در جوامعی که ایمان به این نوع از نظارت در افراد وجود ندارد، مجریان با نصب دستگاه‌های

پیشرفته الکترونیکی در مراکز حساس و حتی خیابان‌ها و برقراری گشت‌های مداوم پلیس، سعی در ایجاد این نوع از نظارت برای کنترل رفتار افراد دارند.

ضرورت این تحقیق نیز آن است که یکی از عناصر مهم در ارائه نظریه‌ای اسلامی برای تنظیم رفتار و کنترل نابهنجاری، آگاهی از دیدگاه قرآن در این باره را معرفی کند. یکی از مهم‌ترین این راهکارها در مرحله جامعه‌پذیری نیز «ایمان به نظارت خداوند بر کنش‌های انسان» است. هدف اصلی این تحقیق نیز، استخراج و تنظیم آموزه‌های قرآن درباره «مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان برای تنظیم رفتار» است. در کنار هدف اصلی، اهداف کلان زیر نیز مد نظر است: ۱. زمینه‌سازی برای تدوین نظام کنترل اجتماعی اسلامی؛ ۲. ارائه راهکارهای عملی تنظیم رفتار و کنترل نابهنجاری‌ها به مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران.

پرسش اصلی تحقیق عبارت است: «مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی، کدام است؟» پرسش‌های فرعی تحقیق نیز عبارت‌اند از: ۱. از دیدگاه قرآن کریم، نظارت خداوند بر رفتار انسان چه اهمیتی دارد؟ ۲. شکل‌های مختلف نظارت خداوند بر رفتار انسان کدام است؟ ۳. تأثیر ایمان به نظارت خداوند، بر تنظیم رفتار و مهار نابهنجاری چگونه است؟

محقق سعی دارد در این پژوهش، با مراجعه به همه آیات قرآن، مکانیزم‌های این راهکار و اثر آن بر تنظیم و کنترل رفتارهای اجتماعی را بررسی کند و دیدگاه قرآن در این زمینه را ارائه نماید.

چارچوب مفهومی

موضوع مقاله حاضر، «مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم» است. این پژوهش، تحقیقی اکتشافی است؛ از این رو، چارچوب نظری و فرضیه ندارد. این تحقیق درصدد است که گزاره‌های اسلامی را در قالب مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی ارائه کند و به جمع‌بندی نهایی با دیدگاهی منتسب به قرآن در این باره برسد؛ بنابراین، از زبان و ذهنیت روان‌شناسی اجتماعی بهره می‌برد تا به توضیح اصلی‌ترین مفاهیم خود بپردازد. پس چارچوب مفهومی فراهم آمده، دستاورد این ضرورت است.

مفاهیم اصلی تحقیق، عبارت‌اند از: «نظارت»، «تنظیم رفتار» و «رفتار اجتماعی». به دلیل آنکه ایمان به نظارت خداوند، از طریق جامعه‌پذیری در فرد ایجاد می‌شود و سبب تقویت کنترل درونی در او می‌گردد، به دو مفهوم «جامعه‌پذیری» و «کنترل درونی» نیز اشاره می‌شود و از آنجا که مکانیسم اثرگذاری کنترل درونی بر اساس مواجهه ساختن فرد با عدم ارضای یکی از نیازهای اساسی او در جهت کم کردن انگیزه انجام دادن رفتار نابهنجار است، به مفهوم «نیاز» اشاره شده است.

نیاز: نیاز عبارت است از حالت محرومیت، کمبود و نبود در ارگانیزم؛ مانند کمبود غذا، آب و اکسیژن، یا کمبود هر حالتی که برای استمرار و ادامه حیات یک موجود زنده ضرورت دارد و برای بهزیستی فرد لازم است (براندن، ۱۳۷۱، ص ۴۱؛ شکیاپور، ۱۳۶۳، ص ۱۱۳)؛ به بیان دیگر، «نیازها تنش‌هایی است که عدم تعادل زیستی بین فرد و محیط فیزیو-شیمیایی درون و بیرون از ارگانیزم آنها را به بارمی‌آورد» (جس فیست و گریگوری، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵ و سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۶ و ۸۷).

انواع نیازهای انسانی: مازلو، نیازهای اساسی انسان را به صورت سلسله‌مراتبی، به پنج دسته تقسیم کرده است:

- **نیازهای جسمی:** نیاز به غذا خوردن، آشامیدن، فعالیت، خواب و غیره؛
- **نیازهای ایمنی:** نیاز به امنیت، ثبات، نظم، رها بودن از ترس و نگرانی، نیاز به داشتن حامی و غیره؛
- **نیازهای پیوندجویی:** نیاز به محبت و دلبستگی به گروه، دوستان، همسر و فرزند، برقراری روابط اجتماعی و مانند آن و اینکه بدانیم دیگران نیز همین احساس را نسبت به ما دارند؛
- **نیازهای احترام:** نیاز به آنکه هم خودمان، خود را محترم بدانیم و هم این احترام را از دیگران ببینیم؛
- **نیازهای خودشکوفایی:** نیاز به تحقق بخشیدن استعدادها (مازلو، ۱۳۶۷، ص ۷۰-۱۱۰؛ شولتز و الن شولتز، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲-۳۴۷؛ گنجی، ۱۳۹۱، ص ۸۰۵-۸۰۸).

رفتار اجتماعی

کنش، رفتاری است که با معنا باشد. به اصطلاح ویر: «کنش آن رفتار انسانی است که دارای معنای ذهنی خاصی باشد» (ویر، ۱۳۷۴، ص ۳). کنش آنگاه که معطوف به دیگری باشد و «رفتار دیگران در معانی ذهنی» کنشگر لحاظ شده باشد، کنش اجتماعی است (ویر، ۱۳۷۴، ص ۳ و ۸۰). در بیانی کلی می‌توان «کنش اجتماعی» را تمامی انواع «حالات فکر، احساس و عمل» قلمداد کرد که سمت و سوی آنها، با تکیه بر «الگوهای جمعی (الگوهای مشترک بین اعضای یک اجتماع)» تعیین می‌شود (صدیق سروسناتی، ۱۳۸۳، ص ۲۲-۲۷ و ۴۵).

جامعه‌پذیری: جامعه‌پذیری^۱ عبارت است از: فرایند کلی و مستمر کنش متقابل اجتماعی که در خلال آن، افراد عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط (ارزش‌ها، الگوها، هنجارها و

نگرش‌های گروهی و اجتماعی) را آموخته، درونی می‌سازند؛ و خلأ قانه خود را با آنها همساز، و توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم زندگی اجتماعی را کسب می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳).

کنترل درونی: کنترل درونی^۱ را نوعی مکانیسم کنترل اجتماعی محسوب می‌کنند که در نتیجه آن، فرد خود را از درون به انجام رفتار مورد انتظار از خویش ملزم می‌بیند؛ بدون نیاز به اینکه وجود انوعی از الزام‌ها یا محدودیت‌های ملموس و فیزیکی، یا اعمال آنها را در جهت الزام به انجام آن رفتار احساس کرده باشد (مندراس و گوریچ، ۱۳۵۶، ص ۱۶۱).

تنظیم رفتار: تنظیم رفتار، فرایندی است که ما را به بررسی و بازنگری رفتارهایمان در جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی فرامی‌خواند؛ از دیدگاه روان‌شناسان تنظیم رفتار عبارت است از: فرایندها و فعالیت‌های نظام‌مند در جهت رشد و ایجاد رفتارهای بهنجار و سازگارانه و پیشگیری از رفتارهای نابهنجار و اصلاح آنها (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۲۳ و ۲۴).

روش تحقیق

روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی به دو روش «کمی» و «کیفی» تقسیم شده است. در روش تحقیق کمی، به منظور فراهم شدن امکان تعمیم دادن، پژوهش‌های پهنانگر انجام می‌شود؛ اما در روش‌های کیفی که به‌طور معمول به دلیل شناخت دقیق و همه‌جانبه پدیده‌ای خاص صورت می‌گیرد، تحقیقات ژرفانگر است. محقق در روش‌های کیفی، سعی در شناخت همه ابعاد و جزئیات واقعیت بررسی شده، به‌طور عمیق و گسترده دارد. به دلایل زیر روش‌های کیفی، مناسب‌ترین روش برای این مقاله است:

۱. نگارنده در پژوهش حاضر، براساس فرضیه‌ای از پیش تعیین شده و چارچوب نظری مشخصی، تحقیق را شروع نکرده است؛ بنابراین، فرضیه‌ای خاص ندارد که با روش کمی به دنبال اثبات آن باشد.

۲. این تحقیق به دنبال اکتشاف دیدگاه قرآن درباره مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان است؛ از این رو، برای اطمینان از انتساب دیدگاهی خاص به قرآن، تحقیقی اکتشافی و همه‌جانبه در آیات قرآن، نیاز است که آن نیز با روش کیفی قابل انجام باشد.

روش‌های کیفی انواع گوناگونی دارد. یکی از این روش‌ها، روش «گراندد تئوری»^۲ است که در زبان فارسی به روش «رویش نظریه» یا «نظریه زمینه‌ای» ترجمه شده است. اولین

1. self-regulation

2. Grounded theory

ویژگی این روش، نبود یک تئوری ازپیش تعیین شده، در شروع تحقیق است. نظریه در روش بیان شده، در جریان تحقیق ظهور می‌یابد؛ در واقع، در این روش، برخلاف روش‌های دیگر — که در آنها محقق ابتدا فرضیه‌ای را مطرح می‌کند و بعد از مراجعه به واقعیت، آن را آزمون می‌کند — فرضیه‌ای وجود ندارد. به بیان دیگر، روش «رویش نظریه»، «یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اعتماد به تئوری‌های موجود و ازپیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند». این روش، یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است؛ تئوری‌ای که براساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده است. «رویش نظریه» در طول تحقیق اتفاق می‌افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها به دست می‌آید. در این روش، جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آنها در یک تعامل بسیار نزدیک با یکدیگر است. تا جایی که مهم‌ترین عامل در این روش، نزدیکی همیشگی با داده‌هاست. در ادامه، مراحل تحلیل داده‌ها توضیح داده می‌شود:

۱. مقوله‌بندی و کدگذاری متن (داده‌ها): محقق در اولین قدم، با دقت در داده‌ها، سعی در شناسایی و تفکیک کردن میان انواع و اقسام آنها از جهت‌های گوناگون و کدگذاری این انواع می‌نماید؛ یعنی پژوهشگر تلاش می‌کند داده‌های متفاوت را — که در نگاه نخست ممکن است تمایز آشکاری با هم نداشته باشند — از هم متمایز کند و داده‌های مشابه را گرد هم آورد و آنها را دسته‌بندی کند و سپس با کشف روابط میان دسته‌های گوناگون و متمایز داده‌ها، به ارائه نظریه برسد. در ادامه، انواع کدگذاری داده‌ها بیان و بررسی شده است:

الف) کدگذاری باز

«کدگذاری باز»، یک بخش از تجزیه و تحلیل است که شناسایی، نامگذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها را دربر می‌گیرد. هدف از کدگذاری باز، درک مفاهیم پنهان در بیان متن اصلی است که می‌تواند متن مصاحبه‌شونده یا اسناد مورد مراجعه باشد. مفاهیم و ملاک‌های تقسیم داده‌ها براساس انواع و اقسام، می‌تواند مفاهیم و ملاک‌های پیشین در دانش قبلی، یا مفاهیم و ملاک‌های ابداع شده توسط محقق و معطوف به داده‌های جدید و موجود در تحقیق باشد. این به آن معناست که نباید به برقراری پیوند بین داده‌ها و مفاهیم ازپیش تعیین شده اکتفا کرد؛ بلکه باید به ابداع مفاهیم نو نیز پرداخت. همچنین با دقت در داده‌ها و یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در صورت لزوم به آفرینش مفاهیمی جدید — که توانایی محقق را در توصیف واقعیت زیاد می‌کند — دست زد. در این گام، داده‌ها از

پراکندگی مطلق و بی‌نظمی زیاد، خارج و در مقوله‌های گوناگون دسته‌بندی می‌شود (استراوس و کریین، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳-۱۲۷).

ب) کدگذاری محوری

«کدگذاری محوری»، فرایند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر است. محقق در این مرحله به دنبال نظم بخشیدن به عناوین به دست آمده در کدگذاری باز است؛ همچنین، او به هر دسته از عناوین، عنوانی کلی‌تر و عام‌تر می‌دهد. انتخاب عنوان کلی، می‌تواند هم براساس دریافت‌های محقق و هم با مراجعه به دانش پیشین انجام شود (استراوس و کریین، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵-۱۴۸).

ج) کدگذاری گزینشی

سومین مرحله کدگذاری، «کدگذاری گزینشی» است که در آن با بیان دسته‌بندی‌های گوناگون، یک دسته را به عنوان هسته و مرکز برمی‌گزینیم و همه دسته‌های دیگر را با دسته مرکزی ارتباط می‌دهیم. ایده اصلی، در کدگذاری انتخابی، ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط داده‌های دیگر به این هسته است؛ به بیان دیگر، محقق در کدگذاری انتخابی به دنبال کشف «خط اصلی داستان» است. در اینجا دوباره باید توجه داشت که برقراری همه این ارتباط‌ها میان مقوله‌های گوناگون با یکدیگر و عناوین متمایز و نتیجه‌گیری‌های بعدی، می‌تواند با به‌کارگیری دانش قبلی انجام شود یا می‌تواند نتیجه «حساسیت‌تئوریک» شخصی محقق باشد. حساسیت‌تئوریک نیز توانایی پژوهشگر در غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنا دادن به آنهاست. البته حساسیت‌تئوریک صرفاً از جنس نوآوری نیست؛ بلکه می‌تواند حساسیت محقق در برقرار کردن ارتباط میان یافته‌ها و نظریه‌های پیشین نیز باشد (استراوس و کریین، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵-۱۶۹).

۲. **یادداشت‌ها:** نوشتن یادداشت‌های نظری، بخش جدانشدنی شکل‌گیری رویش نظریه است. یادداشت‌ها سبب تمرکز محقق در فرایند تحقیق و فراموش نکردن مقوله‌ها و فرضیه‌های نوظهور و تنظیم داده‌ها برای دسته‌بندی‌ها و آشکار شدن نظریه می‌شود؛ همچنین، یادداشت وسیله‌ای برای سازمان‌دهی و کنترل داده‌هاست. هر یادداشت، ثبت حیطه‌هایی درباره داده‌ها یا مفهوم‌سازی داده‌ها و پرسش‌هایی را دربر می‌گیرد که در نتیجه این فرایند، مطرح می‌شود؛ همچنین، صورت‌بندی فرضیه‌ها و اندیشه درباره اینکه چگونه مفاهیم به یکدیگر مربوط می‌شوند، در یادداشت‌ها ثبت می‌شود. یادداشت‌ها در روش رویش نظریه بر سه دسته است:

الف) یادداشت‌های کدگذاری: این یادداشت، نوشته‌هایی مرتبط با «کدگذاری باز و عنوان‌دهی مفهومی نظریه» است؛ مانند نامگذاری‌ها، دسته‌بندی‌ها و تشریح ارتباطات موجود میان داده‌ها، یعنی یادداشت‌های مربوط به سطح نخست مفهومی (داده‌ها).

ب) یادداشت‌های نظری: نوشته‌های نظری، یادداشت‌های مربوط به کدگذاری محوری و انتخابی است.

ج) یادداشت‌های عملیاتی: شامل مکتوب‌های مربوط به جهت‌گیری‌های طرح تحقیق و نظریه در حال ظهور است (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵-۲۴۵).

۳. نگارش یافته‌ها و تحلیل نهایی: آخرین گام، «مرحله نوشتن یا رویش نظریه جدید و نهایی» است. محقق در این گام، نظریه رویش یافته از بین نوشته‌ها و تفکرهای خویش، یا «نظریه تولیدشده از ادغام این تفکرها با دانش پیشین» را با نظریه‌های قبلی مقایسه می‌کند و به ارزیابی نهایی آن، از راه «بررسی میزان تفاوت‌ها، شباهت‌ها و چرایی آنها» می‌پردازد. این کار با دقت در نوشته‌های نهایی صورت می‌گیرد و محقق آخرین اصلاحات را بر آنها اجرا کرده و تحلیل نهایی خود را به نگارش درمی‌آورد (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۱) (موارد فوق برگرفته از: استراوس و کربین، ۱۳۹۰؛ صدیق اورعی، ۱۳۹۰، ص ۴۳-۵۹).^۱

کاربرد روش «رویش نظریه» در عمل: پس از انتخاب موضوع و روش انجام پژوهش، مراحل اجرایی تحقیق به شرح ذیل انجام شد. نخست با توجه به فضای اصلی پژوهش، پرسش‌ها و مفاهیمی استخراج شد که محورهای مهم تحقیق را دربر داشته باشد. در مرحله دوم تحقیق، با به‌کارگیری این پرسش‌ها و عناوین گرفته‌شده و با استفاده از ادبیات تحقیق، چارچوب مفهومی متناسب با موضوع تدوین شد. به دلیل آنکه موضوع پژوهش، به دست آوردن دیدگاه قرآن درباره مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی بود، ابتدا تمام قرآن مطالعه شد و سپس با توجه به پرسش‌ها و چارچوب مفهومی و با به‌کارگیری نرم‌افزار «ماکس کیودا»^۲ آیات مرتبط به دست آمد و در فایلی مستقل تنظیم شد؛ از این رو، داده‌های اولیه برای کدگذاری فراهم گردید. پس از کدگذاری اولیه با تهیه جدول‌ها و تنظیم این کدهای به‌دست‌آمده، کدگذاری محوری نیز انجام گرفت و مراحل بعدی پژوهش براساس این روش کامل شد.

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص روش تحقیق کیفی گراند تئوری رک: صدوقی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵-۱۲۱؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۸، ۱۴۹-۱۵۵؛ طالب، ۱۳۹۱، ص ۴۲۴-۴۴۹؛ بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص ۶۹-۸۵؛ محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۳۱۳-۳۴۷؛ منصوریان، ۱۳۸۱.

2. Maxqda

– اعتبار کدگذاری‌ها و مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده: این تحقیق به دنبال فهم مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن است. مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده، این ادعا را با خود دارد که قرآن کریم، مکانیزم‌های مشخصی را برای این فرایند بیان کرده است. هنگامی این ادعا قابل قبول است که بین‌الذهانی باشد که می‌توان به این امر، عنوان «اعتبار نتایج» داد. بین‌الذهانی بودن مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده، این‌گونه تأمین شده است که برای انتخاب آیات مرتبط با موضوع و کدگذاری آنها و تهیه جدول‌های مورد نیاز، این مفاهیم و مقولات در اختیار کارشناسان علوم قرآنی (که ذهنیتی با برداشت‌های خاص روان‌شناسی اجتماعی نداشتند)، قرار گرفت که آنها مقوله‌های به دست آمده را تأیید کردند. همچنین، توافق اساتید روان‌شناسی اجتماعی (که شناخت کامل از مباحث قرآنی دارند)، درباره این مقوله‌ها گرفته شد؛ در واقع، این مقوله‌بندی تأیید کارشناسان را به دنبال دارد. علاوه بر این، برای فهم ظهور لفظی آیات، به کتاب‌های لغت؛ مانند مفردات راغب و معجم‌های قرآنی، مانند التحقيق فی کلمات القرآن، و قاموس قرآن و نیز ترجمه‌های قرآن؛ مانند ترجمه ناصر مکارم شیرازی و ترجمه عزت‌الله فولادوند مراجعه شده است. در مواردی که درک مفهوم از راه ترجمه و لغت مشکل بوده یا احتمال‌های متفاوت در فهم آیه مطرح بوده است، تفاسیر روایی قرآن؛ مانند البرهان و نور الثقلین و نیز تفاسیر دیگری ملاحظه شده است. در نتیجه، تلاش بر این بوده است که مقوله‌های گرفته‌شده براساس ظهور آیات شکل گیرد؛ به گونه‌ای که هر فردی که به‌نوعی توانایی فهم قرآن را داشته باشد، این مفهوم را دریافت کند. همچنین، تطبیق این مفاهیم با مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی با راهنمایی اساتیدی انجام گرفته است که همزمان تحصیلات حوزوی و دانشگاهی داشته‌اند.

قابل ذکر اینکه با این روش تحقیق می‌توان انواع پژوهش‌های قرآنی را انجام داد؛ به‌ویژه آنکه با قرار دادن تمام آیات در کنار یکدیگر زمینه فهم بهتر آیات قرآن و امکان مقایسه آیات با یکدیگر فراهم می‌آید و در نهایت، به نظریه‌پردازی با استفاده از آیات قرآن منجر خواهد شد.

پیشینه

در خصوص پیشینه این تحقیق باید متذکر شد که تحقیقی با این عنوان که به صورت مستقل به مکانیزم‌های نظارت خدا بر رفتار انسان از دیدگاه قرآن پردازد، یافت نشد؛ اما با نگاه تربیتی، مقاله‌ای از محمد داودی با عنوان «نظارت الهی و نقش آن در پیشگیری از گناهان و آلودگی‌های اجتماعی» در فصلنامه زلال هدایت (سال دوم، شماره اول) به چاپ رسیده

است. در کتاب درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار از دیدگاه اسلامی نوشته محمدصادق شجاعی نیز در یکی از فصول آن به اختصار به این موضوع با استفاده از آیات و روایات اشاره شده است. در خصوص پیشینه پژوهش‌هایی که از روش تحقیق گراند تئوری استفاده کرده‌اند می‌توان به پایان‌نامه غلامرضا صدیق اورعی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی شیوه تصمیم‌گیری و دلایل پس‌انداز مردم مشهد» و پایان‌نامه سیدمحمدتقی حسینی با عنوان آسیب‌شناسی تبلیغ دینی برای جوانان اشاره کرد.

یافته‌ها

در مراجعه به همه آیات قرآن کریم، برای آگاهی از دیدگاه قرآن درباره مکانیزم‌های نظارت خداوند بر کنش‌های انسان و تأثیر آن بر مهار نابهنجاری، آیاتی استخراج و بررسی شد که در آنها به نظارت مستقیم خداوند بر رفتار انسان و نیز نظارت مأموران الهی اشاره شده است؛ درنهایت، مجموعه آیات مرتبط با این عناوین، برای استخراج مکانیزم‌های نظارتی خداوند بر رفتار انسان مطالعه و کدگذاری شد. نتایج را می‌توان در سه مرحله کدگذاری به شرح ذیل تجزیه و تحلیل کرد:

کدگذاری اولیه: از بررسی داده‌ها در مرحله کدگذاری اولیه یا کدگذاری باز، با استفاده از ۳۴۷ آیه قرآن، تعداد ۴۵ مفهوم به دست آمد. این مفاهیم بیانگر دیدگاه قرآن در رابطه با مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان است. نتایج کدگذاری اولیه (باز) در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: کدگذاری اولیه

تعداد	کد اولیه	کد اولیه ویرایش ۱	متن آیه
۲	تشویق توجه به نظارت خداوند	پادش کسی که از مقام خدا بترسد، بهشت است.	۱. و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس [خود] را از هوس بازداشت؛ پس، جایگاه او همان بهشت است (۴۰ و ۴۱). ^۱
۲	تقویت امر به معروف	نترسیدن از امر به معروف با ایمان به همراهی خداوند	۲. آن دو گفتند: «پروردگارا، ما می‌ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند؛ فرمود: مترسید، من همراه شمایم، می‌شوم و می‌بینم». ^۲
۴	توبیح بی‌توجهان به نظارت خداوند	مگر انسان نمی‌داند که خداوند اعمال او را می‌بیند	۳. مگر ندانسته که خدا می‌بیند. ^۳

۱. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات، ۴۰ و ۴۱)؛ موارد مشابه: رحمن، ۴۶.
 ۲. «قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْعَىٰ ۖ قَالَ لَا نَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ» (طه، ۴۵ و ۴۶)؛ موارد مشابه: شعراء، ۱۵.
 ۳. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» (علق، ۱۴)؛ موارد مشابه: بلد، ۷؛ بقره، ۷۷؛ زخرف، ۸۰.

تعداد	کد اولیه	کد اولیه ویرایش ۱	متن آیه
۱۱	نظارت خداوند عامل مهار کجروی	بدانید خدا می‌بیند پس از مخالفت او بترسید	۴. ... و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند. پس، از [مخالفت] او بترسید و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است. ^۱
۱	آشکار شدن کنش‌های انسان در قیامت	آگاه ساختن انسان به کنش‌های او در قیامت	۵. روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده است، حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند... ^۲
۲	آشکار شدن کنش‌های انسان برای پیامبر	خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست	۶. و بگو: «[هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به‌زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست، و به‌زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوید؛ پس، شما را به آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد. ^۳
۲	آشکار شدن کنش‌های انسان برای خداوند	خداوند اعمال انسان‌ها را خواهد دید	۷. هنگامی که به سوی آنان بازگردید برای شما عذر می‌آورند. بگو: «عذر نیاورید، هرگز شما را باور نخواهیم داشت خدا ما را از خیرهای شما آگاه گردانیده و به‌زودی خدا و رسولش عمل شما را خواهند دید. آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانیده می‌شوید، و از آنچه انجام می‌دادید به شما خبر می‌دهد. ^۴
۱	آشکار شدن کنش‌های انسان برای مؤمنان	خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست	۸. و بگو: «[هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به‌زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست، و به‌زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوید پس شما را به آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد. ^۵
۱	آگاه شدن انسان به کنش‌های هم‌نویانه خود در قیامت	آگاهی انسان به کنش‌های هم‌نویانه خود در قیامت	۹. پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. ^۶
۱	آگاه شدن انسان به کنش‌های کجروانه خود در قیامت	آگاهی انسان به کنش‌های کجروانه خود در قیامت	۱۰. و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. ^۷
۳	آگاهی فرشتگان به کنش‌های انسان	بر انسان‌ها دو نگهبان گماشته شده است.	۱۱. و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده‌اند]: فرشتگان [بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند آنچه را می‌کنید، می‌دانند. ^۸
۹	ثبت کنش‌های انسان	خداوند و فرشتگان از اعمال انسان‌ها نسخه‌برداری می‌کنند	۱۲. این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می‌گوید. ما از آنچه می‌کردید، نسخه برمی‌داشتیم. ^۹

۱. «... وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ» (بقره، ۲۳۵)؛ موارد مشابه: حجرات، ۱؛ بقره، ۲۳۱، ۲۸۲؛ آل عمران، ۹۸؛ انعام، ۸۰؛ اعراف، ۲۰۱؛ توبه، ۷۷؛ فاطر، ۲۸؛ هود، ۱۱۲؛ یوسف، ۲۴.

۲. «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهَا أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ...» (آل عمران، ۳۰).

۳. «وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه، ۱۰۵).

۴. «يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه، ۹۴).

۵. «وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه، ۱۰۴).

۶. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزله، ۸).

۷. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله، ۹).

۸. «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كَرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَعْمَلُونَ» (انفطار، ۱۰-۱۲)؛ موارد مشابه: طارق، ۴.

۹. «هَذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه، ۲۹)؛ موارد مشابه: آل عمران، ۱۸۱؛ یونس، ۶۱؛ هود، ۶؛ طه، ۵۲؛ سبأ، ۳؛ یس، ۱۲؛ زخرف، ۸۰؛ سوره ق، ۴.

تعداد	کد اولیه	کد اولیه و برایش ۱	متن آیه
۳	ثابت کنش‌های انسان توسط فرشتگان	فرشته‌های آماده اعمال انسان را ضبط می‌کند.	۱۳. [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می‌کند]. ^۱
۱	احاطه خداوند بر کجروان	خدا بر کافران احاطه دارد	۱۴. ... ولی خدا بر کافران احاطه دارد. ^۲
۱	احاطه خداوند بر کنش‌های انسان	احاطه خداوند به آنچه مردم انجام می‌دهند.	۱۵. ... در حقیقت، پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد. ^۳
۱	احاطه خداوند بر کنش‌های کجروان	خدا به آنچه منافقان انجام می‌دهند، همواره احاطه دارد.	۱۶. [کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می‌دارند، [ولی نمی‌توانند] از خدا پنهان دارند، و چون شبانگاه به چاره‌اندیشی می‌پردازند و سخنانی می‌گویند که وی [بدان] خشنود نیست، او با آنان است. و خدا به آنچه انجام می‌دهند همواره احاطه دارد. ^۴
۱	احاطه علمی خداوند بر کنش‌های انسان	احاطه علمی خداوند بر کنش گذشته و آینده انسان	۱۷. آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته‌اند، می‌داند و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند. ^۵
۴	آگاهی خداوند به انسان	خدا نسبت به بندگانش آگاه بیناست.	۱۸. ... قطعاً خدا نسبت به بندگانش آگاه بیناست. ^۶
۷	آگاهی خداوند به کجروان	خداوند دانا به حال مفسدان است	۱۹. ... و پروردگار تو به [حال] فسادگران داناتر است. ^۷
۴	آگاهی خداوند به کجروان و هم‌نویان	خداوند داناتر به حال افراد باتقوا و منحرفان است	۲۰. باری، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف می‌شود، داناتر است و او به [حال] راه‌یافتگان [تیز] داناتر است. ^۸
۲	آگاهی خداوند به کنش‌های کجروانه انسان	خداوند به گناهان بندگانش پس آگاه و بیناست	۲۱. ... و پروردگار تو به گناهان بندگانش پس آگاه و بیناست. ^۹
۸	آگاهی خداوند به کنش‌های مخفی انسان	خداوند به راز دل‌ها دانا است.	۲۲. [خدا] نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند. ^{۱۰}
۶۳	آگاهی خداوند به کنش‌های انسان	بینا بودن خداوند به اعمال انسان	۲۳. ... خدا به آنچه می‌کنید بیناست. ^{۱۱}

۱. «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (سوره ق، ۱۸)؛ موارد مشابه: سوره ق، ۲۳؛ انفطار، ۱۱.
۲. «... وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» (بقره، ۱۹).
۳. «... إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (هود، ۹۲).
۴. «يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (نساء، ۱۰۸).
۵. «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه، ۱۱۰).
۶. «... إِنَّ اللَّهَ بَعِيدٌ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ» (فاطر، ۳۱)؛ موارد مشابه: غافر، ۴۴؛ نجم، ۳۲.
۷. «... وَرَبِّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ» (يونس، ۴۰)؛ موارد مشابه: انعام، ۵۸؛ توبه، ۴۷ و ۱۰۱؛ نساء، ۴۵؛ مريم، ۷۰؛ جمعه، ۷.
۸. «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (انعام، ۱۱۷)؛ موارد مشابه: نحل، ۱۲۵؛ نجم، ۳۰؛ قلم، ۷.
۹. «... وَكَفَىٰ بَرِّكَ بِذُنُوبٍ عِبَادَةٍ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء، ۱۷)؛ موارد مشابه: محمد، ۲۶.
۱۰. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر، ۱۹)؛ موارد مشابه: اسراء، ۲۵؛ لقمان، ۲۳؛ فاطر، ۳۸؛ زمر، ۷؛ حدید، ۶؛ انشقاق، ۲۳؛ نساء، ۶۳.
۱۱. «... إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره، ۱۱۰)؛ موارد مشابه: بقره، ۲۳۴، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۳؛ آل عمران، ۳۵، ۱۵۶، ۱۸۰؛ نساء، ۹۴، ۱۲۸، ۱۳۵؛ انعام، ۵۹، ۱۰۱؛ انفال، ۳۹، ۷۲؛ توبه، ۱۶؛ یونس، ۳۶؛ هود، ۱۱۱؛ یوسف، ۱۹؛ رعد، ۴۲؛ نحل، ۳۸، ۹۱؛ اسراء، ۵۴؛ مؤمنون، ۵۱، ۹۶؛ نور، ۲۸، ۳۰، ۴۱، ۵۳، ۶۴؛ شعراء، ۱۵، ۱۸۸؛ نمل، ۸۸؛ عنکبوت، ۵۲؛ لقمان، ۱۶، ۲۹؛ احزاب، ۲، ۹؛ سبأ، ۱۱؛ فاطر، ۸؛ زمر، ۷۰؛ فصلت، ۲۲، ۴۰؛ شوری، ۲۵؛ محمد، ۱۹، ۳۰؛ فتح، ۱۱، ۲۴؛ حجرات، ۱۶؛ سوره ق، ۴۵؛ حدید، ۱۰؛ مجادله، ۳، ۱۱، ۱۳؛ منافقون، ۱۱؛ تغابن، ۲، ۸؛ عادیات، ۱۱.

تعداد	کد اولیه	کد اولیه ویرایش ۱	متن آیه
۳۳	آگاهی خداوند به کنش‌های آشکار و مخفی انسان	خداوند آنچه را که انسان به دست می‌آورد، می‌داند.	۲۴. و او در آسمان‌ها و زمین خداست. نهان و آشکار شما را می‌داند و آنچه را به دست می‌آورد [نیز] می‌داند. ^۱
۱۳	آگاهی خداوند به کنش‌های کجروان	خداوند به حال ستمگران داناست.	۲۵. ... و خدا به [حال] ستمگران داناست. ^۲
۱۴	آگاهی خداوند به کنش‌های مخفی انسان	خداوند آنچه را که انسان در دل دارد می‌داند.	۲۶. ... و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند؛ پس، از [مخالفت] او بترسید و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است. ^۳
۳	آگاهی خداوند به کنش‌های مخفی کجروان	دانا بودن خداوند به مواردی که کافران مخفی می‌کنند.	۲۷. ... چیزی می‌گفتند که در دل هایشان نبود، و خدا به آنچه می‌نهفتند، داناتر است. ^۴
۱۲	آگاهی خداوند به کنش‌های هم‌نویانه انسان	دانا بودن خداوند به هر گونه کار نیک انسان	۲۸. ... هر گونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست. ^۵
۳	آگاهی خداوند به هم‌نویان	خداوند به حال تقوایشگان داناست.	۲۹. و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند، و خداوند به [حال] تقوایشگان داناست. ^۶
۲	آگاهی خداوند به هم‌نویان و کجروان	خداوند بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است؟	۳۰. ... بگو: «پروردگرم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است؟» ^۷
۶۳	دانای مطلق بودن خداوند	خداوند به هر چیزی داناست	۳۱. ... و او به هر چیزی داناست. ^۸
۳۹	شاهد بودن خداوند بر کنش‌های انسان	خدا بر آنچه می‌کنید گواه است.	۳۲. بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟ با آنکه خدا بر آنچه می‌کنید گواه است.» ^۹

۱. «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ» (انعام، ۳)؛ موارد مشابه: انعام، ۷۳؛ رعد، ۹؛ فرقان، ۶؛ زمر، ۴۶؛ بقره، ۳۳، ۷۷، ۲۷۱، ۲۸۴؛ آل‌عمران، ۲۹؛ مائده، ۹۹؛ هود، ۵؛ رعد، ۱۰؛ ابراهیم، ۳۸؛ نحل، ۱۹، ۲۳؛ طه، ۷؛ انبیاء، ۱۱۰؛ مؤمنون، ۹۲؛ نور، ۲۹؛ نمل، ۲۵، ۷۴؛ قصص، ۶۹؛ سجده، ۶؛ احزاب، ۵۴؛ یس، ۷۶؛ ممتحنه، ۱؛ تغابن، ۴؛ ۱۸؛ اعلیٰ، ۷؛ حشر، ۲۲؛ ملک، ۱۳؛ حشر، ۲۲.
۲. «... وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (بقره، ۹۵)؛ موارد مشابه: بقره، ۹۶، ۲۴۶؛ آل‌عمران، ۶۳، ۱۱۹؛ مائده، ۷۶؛ توبه، ۶۴؛ اسراء، ۴۷؛ طه، ۱۰۴؛ حج، ۶۸؛ فرقان، ۵۸؛ عنکبوت، ۴۲؛ انعام، ۱۱۹.
۳. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ» (بقره، ۲۳۵)؛ موارد مشابه: مائده، ۷، ۱۰۹؛ انفال، ۴۳؛ توبه، ۷۸؛ هود، ۳۱؛ عنکبوت، ۱۰؛ احزاب، ۵۱؛ سبأ، ۴۸؛ غافر، ۱۹؛ شوری، ۲۴؛ زخرف، ۸۰؛ یس، ۷۲؛ جن، ۲۶.
۴. «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» (آل‌عمران، ۱۶۷)؛ موارد مشابه: مائده، ۶۱؛ آل‌عمران، ۱۵۴.
۵. «وَمَا تَعْلَمُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۱۵)؛ موارد مشابه: نساء، ۱۷، ۳۵، ۳۷، ۱۲۷؛ بقره، ۱۹۷، ۲۲۴، ۲۷۰، ۲۷۳؛ آل‌عمران، ۹۲؛ انفال، ۶۱.
۶. «وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يَكْفُرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ» (آل‌عمران، ۱۱۵)؛ موارد مشابه: توبه، ۴۴؛ قصص، ۵۶.
۷. «قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (قصص، ۸۵)؛ موارد مشابه: عنکبوت، ۱۱.
۸. «وَهُوَ يَكُلُّ شَيْءٍ عَالِمٌ» (بقره، ۲۹)؛ موارد مشابه: بقره، ۳۲، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۷، ۲۳۱، ۲۵۶؛ آل‌عمران، ۳۴؛ نساء، ۱۱، ۱۲، ۳۲، ۱۷۶؛ مائده، ۹۷؛ انعام، ۱۳، ۷۳، ۱۱۵؛ اعراف، ۲۰۰؛ انفال، ۱۷، ۴۲، ۵۳، ۷۵؛ توبه، ۹۸، ۱۱۵؛ یونس، ۶۵؛ یوسف، ۳۴؛ انبیاء، ۴؛ حج، ۶۱؛ هود، ۷۵؛ نور، ۲۱، ۳۵، ۶۰؛ شعراء، ۲۲۰؛ عنکبوت، ۵، ۶۰، ۶۲؛ روم، ۵۴؛ لقمان، ۲۸، ۳۴؛ احزاب، ۳۴، ۴۰؛ سبأ، ۲؛ غافر، ۲۰، ۵۶؛ فصلت، ۳۶، ۴۷؛ شوری، ۱۱، ۱۲؛ دخان، ۶؛ احقاف، ۲۳؛ فتح، ۲۶؛ حجرات، ۱۳، ۱۶؛ حدید، ۳؛ مجادله، ۱، ۷؛ تغابن، ۱۱؛ تحریم، ۳، ۶۶؛ ملک، ۱۹.
۹. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ» (آل‌عمران، ۹۸)؛ موارد مشابه: بقره، ۲۳۲؛ آل‌عمران، ۲۰، ۱۵، ۱۶۳؛ نساء، ۱، ۳۳، ۵۸، ۷۹، ۱۳۴، ۱۴۸؛ مائده، ۷۱، ۱۱۷؛ یونس، ۴۶، ۶۱؛ هود، ۱۱۲؛ اسراء، ۱، ۳۰، ۹۶؛ کهف، ۲۷؛ طه، ۳۵، ۴۶؛ حج، ۱۷؛ فرقان، ۲۰؛ عنکبوت، ۵۲؛ احزاب، ۵۵؛ سبأ، ۴۷، ۵۰؛ فاطر، ۴۵؛ فصلت، ۵۳؛ حجرات، ۱۸؛ سوره ق، ۱۶؛ واقعه، ۸۵؛ حدید، ۴؛ مجادله، ۶؛ انشقاق، ۱۵؛ بروج، ۹۰؛ علق، ۱۴.

تعداد	کد اولیه	کد اولیه ویرایش ۱	متن آیه
۱	نظارت خداوند بر کنش‌های هم‌نویانه انسان	خداوند اعمال عبادی انسان را می‌بیند.	۳۳. آن کس که چون [به نماز] برمی‌خیزی تو را می‌بیند؛ و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان [می‌نگرد]. ^۱
۹	غافل نبودن خداوند از کنش‌های کج‌روان	غافل نبودن خداوند از آنچه انسان‌ها انجام می‌دهند.	۳۴. ... پروردگارت از آنچه می‌کنند غافل نیست. ^۲
۱	فراموشکار نبودن خداوند	خداوند هرگز فراموشکار نبوده است.	۳۵. ... پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است. ^۳
۱	غایب نبودن کنش‌های انسان از خداوند	خداوند از احوال انسان غایب نبوده است.	۳۶. و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما [از احوال] آنان غایب نبوده‌ایم. ^۴
۴	مخفی نبودن چیزی بر خداوند	هیچ چیز [نه] در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند.	۳۷. درحقیقت، هیچ چیز [نه] در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. ^۵
۳	نزدیک بودن خداوند به انسان	خداوند شنوای نزدیک است.	۳۸. ... و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند، و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم. ^۶
۱	همراهی خداوند با انسان	خداوند همراه انسان‌هاست.	۳۹. آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است می‌داند؟ هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست، و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست، و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست. آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند، آگاه خواهد گردانید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست. ^۷
۱	شاهد بودن فرشتگان بر کنش‌های انسان	فرشتگان از چپ و راست انسان مراقب نشسته‌اند.	۴۰. آنگاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ، مراقب نشسته‌اند. ^۸
۲	شهادت فرشتگان بر کنش‌های انسان	شهادت شاهدان در قیامت	۴۱. ... و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بزند؟ آنان بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، و گواهان خواهند گفت: «اینان بودند که بر پروردگارشان دروغ بستند...» ^۹
۳	شهادت دادن اعضای بدن علیه انسان در قیامت	گواهی دادن اعضای بدن علیه انسان در قیامت	۴۲. و [شما] از اینکه مبادا گوش و دیدگان و پوستتان بر ضد شما گواهی دهند [گناهانتان را] پوشیده نمی‌داشتید لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آنچه را که می‌کنید نمی‌داند. ^{۱۰}

۱. «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ» وَتَقَلِّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ» (شعراء، ۲۱۸).

۲. «وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۳۲)؛ موارد مشابه: بقره، ۷۴، ۸۵، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۹؛ آل عمران، ۹۹؛ هود، ۲۳؛ نمل، ۹۳.

۳. «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم، ۶۴).

۴. «فَلَنْقُصَنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَافِلِينَ» (اعراف، ۷).

۵. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (آل عمران، ۵)؛ موارد مشابه: یونس، ۶۱؛ ابراهیم، ۳۸؛ غافر، ۱۶.

۶. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَّمَ مَا نُوسِسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (سوره ق، ۱۶)؛ موارد مشابه: سبأ، ۵۰؛ بقره، ۲۳۵.

۷. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (مجادله، ۷).

۸. «إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ» (سوره ق، ۱۷).

۹. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ اتَّكَبَ بَعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ» (هود، ۱۸)؛ موارد مشابه: سوره ق، ۲۱.

۱۰. «وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ» (فصلت، ۲۲)؛ موارد مشابه: یس، ۶۵؛ فصلت، ۲۰، ۲۱؛ نور، ۲۴.

تعداد	کد اولیه	کد اولیه ویرایش ۱	متن آیه
۱	شهادت دادن انسان علیه خود در قیامت	شهادت دادن انسان علیه خود در قیامت	۴۳. ای گروه جن و انس، آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند؟ گفتند: «ما به زیان خود گواهی دهیم.» [که آری، آمدند] و زندگی دنیا فریبشان داد، و بر ضد خود گواهی دادند که آنان کافر بوده‌اند. ^۱
۱	شهادت زمین بر کنش‌های انسان	روز قیامت زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند.	۴۴. آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید. [همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است. ^۲
۴	شهادت پیامبر بر کنش‌های انسان	گواه بودن پیامبر بر اعمال انسان‌ها	۴۵. ... و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. ^۳

کدگذاری محوری

پس از انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه و همجنس از نظر معنایی در قالب مقولات عمده طبقه‌بندی می‌شوند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند و دومین مرحله در جهت «رویش نظریه» هستند. در جدول شماره ۲، این مقولات عمده و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آنها آورده شده است:

جدول ۲: کدگذاری محوری

مؤلفه	مفاهیم (کد محوری)
تشویق توجه به نظارت خداوند؛ تقویت امر به معروف؛ توبیخ بی‌توجهان به نظارت خداوند؛ نظارت خداوند عامل مهار کجروی؛	اهمیت نظارت خداوند
احاطه خداوند بر کجروان؛ احاطه خداوند بر کنش‌های انسان؛ احاطه خداوند بر کنش‌های کجروان؛ احاطه علمی خداوند بر کنش‌های انسان؛ آگاهی خداوند به انسان؛ آگاهی خداوند به کجروان؛ آگاهی خداوند به کجروان و همنوایان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های کجروانه انسان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های مخفی انسان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های انسان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های آشکار و مخفی انسان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های کجروان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های مخفی انسان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های مخفی کجروان؛ آگاهی خداوند به کنش‌های همنوایان انسان؛ آگاهی خداوند به همنوایان؛ آگاهی خداوند به همنوایان و کجروان؛ دانای مطلق بودن خداوند؛ شاهد بودن خداوند بر کنش‌های انسان؛ نظارت خداوند بر کنش‌های همنوایان انسان؛ غافل نبودن خداوند از کنش‌های کجروان؛ فراموشکار نبودن خداوند؛ غایب نبودن کنش‌های انسان از خداوند؛ مخفی نبودن چیزی بر خداوند؛ نزدیک بودن خداوند به انسان؛ همراهی خداوند با انسان	در منظر خداوند بودن کنش‌های انسان

۱. «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَاثِرُونَ كَافِرِينَ» (انعام، ۱۳۰).
 ۲. «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (زلزله، ۴ و ۵).
 ۳. «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (نساء، ۱۵۹)؛ موارد مشابه: احزاب، ۴۵؛ نساء، ۴۱.

مفاهیم (کد محوری)	مؤلفه
آشکار شدن کنش‌های انسان در قیامت	آشکار شدن کنش‌های انسان برای پیامبر؛ آشکار شدن کنش‌های انسان برای خداوند؛ آشکار شدن کنش‌های انسان برای مؤمنان؛ آگاه شدن انسان به کنش‌های هم‌نویانه خود در قیامت؛ آگاه شدن انسان به کنش‌های کجروانه خود در قیامت؛ آگاهی فرشتگان به کنش‌های انسان
در منظر شاهدان الهی بودن کنش‌های انسان	ثبت کنش‌های انسان؛ ثبت کنش‌های انسان توسط فرشتگان؛ شاهد بودن فرشتگان بر کنش‌های انسان؛ شهادت فرشتگان بر کنش‌های انسان؛ شهادت دادن اعضای بدن، علیه انسان در قیامت؛ شهادت دادن انسان علیه خود در قیامت؛ شهادت زمین بر کنش‌های انسان؛ شهادت پیامبر بر کنش‌های انسان

در ایجاد مقوله‌های مهم، تلاش شده است که هر کدام از آنها به لحاظ نظری، هماهنگی پذیرفته شده‌ای داشته باشد. در ادامه، توضیح کوتاهی درباره هر یک از این مقوله‌های مهم خواهد آمد.

اهمیت نظارت خداوند

اهمیت دادن به موضوع نظارت خداوند از دیدگاه قرآن از چند لحاظ قابل بررسی است:

- اختصاص تعداد زیادی از آیات قرآن به این موضوع (بیش از ۳۴۷ آیه) که بیانگر اهمیت آن در کنترل رفتار انسان است.
- کارآمدی کنترل‌های مابعدالطبیعی درباره تنظیم رفتار اجتماعی که تأثیر آن در دو «جهان حاضر» و «جهان پس از مرگ» است، به اعتقاد داشتن به نظارت خداوند بستگی کامل دارد؛ به عبارت دیگر، اعتقاد به نظارت خداوند سبب می‌شود که فرد یقین کند که در صورت تخلف، همه مدارک و شواهد علیه او وجود دارد و این حالت، قطعی شدن مجازات ماورائی را برای او، هم در حال حاضر و هم پس از مرگ، به دنبال دارد. بنابراین، وقتی ایمان به مجازات مابعدالطبیعی و ترس از آن، با ایمان به نظارت خداوند همراه می‌شود، اثر کنترلی آن در تنظیم رفتار کامل خواهد شد.
- بیان این مفهوم بعد از آیاتی که به گونه‌ای هنجارهای مثبت یا منفی را بیان می‌کند، این نظارت را به عنوان ضمانت اجرای درونی هنجارهای دینی معرفی کرده است؛ به همین دلیل، در برخی از موارد، با بیانی توییحی افراد را مخاطب قرار می‌دهد که «مگر نمی‌دانند، خداوند آنان را می‌بیند» یا اینکه «مگر نمی‌دانند که بر کنش‌های آنان نظارت صورت می‌گیرد».
- به کار بردن مفاهیم گوناگون، متنوع و متناسب با فهم همه انسان‌ها با توجه به سلسله مراتب ایمان، بیانگر اهمیت این موضوع از دیدگاه قرآن است؛ برای مثال، قرآن برای کسانی که تبعیت آنها از هنجارها به امید بهشت و ترس از جهنم است، چنین اشاره دارد که

فرشتگانی نزد او حاضر و اعمال او را ضبط می‌کنند. همچنین، قرآن بیان می‌کند که زمین و اعضای بدن خود انسان نیز بر رفتار انسان ناظر است و در قیامت بر این رفتارها شهادت خواهند داد؛ علاوه بر این، قرآن برای گروهی که درکی ساده از حضور خداوند دارند، با الفاظی مانند اینکه «او به راز دل‌ها آگاه است»، «چیزی را نمی‌توان از او مخفی کرد» و «آگاه به آشکار و نهان شماسست»، به دنبال این است که انسان نباید تصور کند که به همان‌گونه که کنش‌های خود را از دید دیگران در دنیا پنهان می‌کند، می‌تواند آن را از خداوند مخفی کند و خود را از عواقب ناگوار آن برهاند.

۵. استفاده از الفاظ و شیوه‌های گوناگون ادبی نیز دلیلی برای بیان اهمیت این موضوع است؛ مانند: بیان آیات با جمله اسمیه برای تأکید؛ استفاده از جمله فعلیه برای دوام؛ استفاده از «إِنَّ» در ابتدای جمله اسمیه برای تأکید بیشتر؛ استفاده از لام تأکید در برخی از آیات مانند: «إِنَّ اللَّهَ بَعِيدٌ لَّخَبِيرٌ بَصِيرٌ» (فاطر، ۳۱).

۶. تکرار زیاد این مفهوم و بیان آن بعد از دستورهای هنجاری، برای درونی شدن این نظارت در انسان بوده است. به این صورت که انسان در هنگام انجام دادن کنش‌های همروایانه و کجروایانه، به گونه‌ای خودکار حضور خداوند و نظارت او را بر کنش خود احساس کند. می‌توان در این باره به موارد زیر اشاره کرد:

الف) ترویج و اهمیت نماز و زکات: «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. خداوند به اعمال شما بیناست» (بقره، ۱۱۰).

ب) جلوگیری از تغییر هنجارهای دینی: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن فقط بر کسانی است که آن [وصیت] را تغییر می‌دهند. خداوند شنوا و داناست» (بقره، ۱۸۱).

ج) تقویت جهاد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و در راه خدا کارزار کنید و بدانید که خداوند شنوا و داناست» (بقره، ۲۴۴).

د) تقویت امانتداری: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا... إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید... همانا خداوند همواره شنوا و بیناست» (نساء، ۵۸).

ه) قضاوت عادلانه: «وَإِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید؛ درحقیقت،

نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. همانا خداوند همواره شنوا و بیناست» (نساء، ۵۸).

و) درست انجام وظیفه کردن: «أَنْ اَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ [که] زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری کن و کار شایسته کنی؛ زیرا من به آنچه انجام می‌دهید، بینام» (سبأ، ۱۱)؛ «بِأَيِّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می‌دهید، دانایم» (مؤمنون، ۵۱).

ز) رعایت عفت: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مردان با ایمان بگو که دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است» (نور، ۳۰).

۷. اثر ایمان به نظارت خداوند در مهار نابهنجاری‌های اجتماعی

در مواردی که قرآن بی‌توجهان به نظارت خداوند را توبیخ می‌کند، درصدد بیان این مطلب است که توجه به نظارت می‌تواند انسان‌ها را از رفتارهای نابهنجار بازدارد؛ علاوه بر این، در آیات متعددی اشاره شده است که ایمان به نظارت، زمینه تبعیت از هنجارها و رسیدن به بهشت را برای افراد فراهم می‌سازد. برای مثال، خداوند می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات، ۴۰ و ۴۱). امام صادق (ع) نیز درباره آیه «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (رحمن، ۴۶) فرمود: «مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَيَسْمَعُ مَا يَقُولُ وَ يَعْلَمُ مَا يَعْمَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ فَيَحْجِزُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ؛ کسی که بداند خداوند او را می‌بیند و کلام او را می‌شنود و به اعمال خیر و شر او آگاهی دارد، و این علم او را از رفتار ناپسند، منع کند، پس این فرد کسی است که از مقام پروردگارش می‌ترسد و خود را از هواهای نفسانی محفوظ داشته است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۱). همچنین، در ماجرای حضرت یوسف و زلیخا که قرآن اشاره به دیدن «برهان رب» توسط حضرت یوسف دارد، آن هم نوعی احساس نظارت خداوند بر رفتار او بوده است.

در منظر خداوند بودن کنش‌های انسان

بیشترین مفاهیم گرفته‌شده از آیات قرآن درباره نظارت، به نظارت مستقیم خداوند بر رفتار انسان اشاره دارد؛ براساس این آیات، همه کنش‌های انسان در منظر و

محضر خداوند انجام می‌شود. این مطلب، با الفاظ و معانی گوناگون به شرح زیر بیان شده است:

الف) یک دسته از آیات با اشاره به علم مطلق خداوند و با توجه به صفاتی؛ مانند «عالم»، «علیم»، «خبیر»، «سمیع» و «بصیر» به این مطلب تأکید دارد که خداوند آگاهی و نظارت کامل نسبت به همه مخلوق‌ها و از جمله انسان و کنش‌هایش را دارد.

ب) دسته دوم از آیات با اشاره به صفت «محیط» برای خداوند، احاطه او را بر همه مخلوق‌ها مطرح می‌کند؛ همچنین این آیات، با بیان احاطه خداوند بر انسان به گونه عام، به احاطه او بر کنش‌های انسان به گونه خاص و کنش‌های کجروانه او به گونه خاص‌تر اشاره دارد.

ج) دسته سوم از آیات با بیان شاهد و نگهبان بودن خداوند بر انسان از راه دو صفت «شهود» و «رقیب»، به شاهد و ناظر بودن مستقیم خداوند بر کنش‌های انسان اشاره دارد.

د) دسته چهارم از آیات با اعلام نزدیک بودن خداوند به بندگان، به واسطه صفت «قریب» بیان می‌کند که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است؛ از این رو، می‌تواند همه کنش‌های او را مشاهده کند.

ه) دسته پنجم نیز با اشاره به همراهی و معیت خداوند با انسان، تأکید می‌کند که خداوند در همه حال‌ها، چه جمعی و چه فردی، همراه انسان‌هاست. هر گروهی که شکل می‌گیرد، یک نفر که به شکل نامحسوس به گروه اضافه می‌شود، خداوند است. همراهی خداوند نیز به معنای آگاهی او از کنش‌های انسان است.

و) دسته ششم از آیات نیز با بیان حسابرس بودن خداوند به واسطه اسم «حسیب» بیان می‌کند که خداوند همه اعمال انسان را محاسبه خواهد کرد. لازمه حسابرسی نیز آگاهی مستقیم یا غیر مستقیم از کنش‌های انسان است.

همچنین، نکته قابل توجه در این مفاهیم آن است که نظارت خداوند، انواع کنش‌های قابل انجام انسان را دربر می‌گیرد. به همین دلیل، در این آیات با الفاظ گوناگون، همه کنش‌های انسان را دربرگیرنده نظارت خداوند می‌داند؛ این الفاظ عبارت است از: «ما تعملون»، «ما تفعلون»، «ما تصنعون» و «ما تصفون». بر این اساس، می‌توان گفت که کنش‌های انسان چهار حالت دارد: عمل، فعل، صنع و توصیف.

همچنین، در آیات به نوع انجام دادن این افعال توجه شده است؛ یعنی اینکه کنش به طور سری و مخفیانه یا آشکار انجام گرفته است. این معانی با کلمه‌هایی؛ مانند «اخفیتم»،

«اعلنتم»، «أسروا و اجهروا»، «یَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ»، «وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا»، «عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»، «لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ» و «عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» بیان شده است. علت به کار رفتن این تعابیر نیز برای این است که انسان تصور نکند، می‌تواند مواردی را که به ظاهر از مردم پنهان کرده است، از خداوند نیز مخفی کند.

آشکار شدن کنش‌های انسان در قیامت

دسته‌ای دیگر از آیات به این مطلب اشاره دارد که کنش‌های ثبت‌شده انسان به شکل کارنامه‌ای درمی‌آید و روز قیامت این کارنامه به دست انسان داده می‌شود و براساس آن محاکمه خواهد شد. خداوند در روز قیامت انسان‌ها را به کنش‌هایی که در دنیا داشته‌اند، آگاه خواهد کرد؛ انسان در قیامت از کوچک‌ترین ذره‌ای از کنش‌های انجام داده خود آگاه خواهد شد. علاوه بر اینکه خود انسان به این کنش‌ها آگاهی پیدا می‌کند؛ افراد دیگر، مانند فرشتگان، پیامبران و مؤمنان نیز این کنش‌ها را مشاهده می‌کنند.

در منظر شاهدان الهی بودن کنش‌های انسان

براساس آیات قرآن کریم؛ علاوه بر اینکه خداوند بر اعمال و رفتار انسان‌ها ناظر است، فرشتگانی نیز دارد که دائم در کنار انسان حضور دارند و در حال نوشتن اعمال او هستند. به اذعان آیات قرآن، در کنار این ناظران، موجودهای بی‌جان؛ مانند زمین که انسان در آن زندگی می‌کند، در روز قیامت به امر خداوند بر کنش‌های انسان شهادت می‌دهد. البته لازمه این شهادت نیز آن است که این موجودها به نوعی کنش‌های انسان را ضبط کرده باشند. برخی دیگر از آیات بیانگر این است که خداوند شاهدانی را که در دنیا بر کنش‌های انسان قرار داده است، احضار خواهد کرد و آنها به نفع یا علیه انسان شهادت خواهند داد. این مأموران عبارت‌اند از: فرشتگان، پیامبران، اعضای بدن انسان و موجودهای بی‌جان (مانند زمین) که ناظر بر کنش‌های انسان بوده‌اند.

کدگذاری گزینشی

با توجه به مقوله‌های مهم و توضیحات بیان‌شده، می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله «سازوکارهای نظارت خداوند بر رفتار انسان»، مفهومی است که می‌تواند همه مباحث بالا را دربرگیرد.

جمع‌بندی

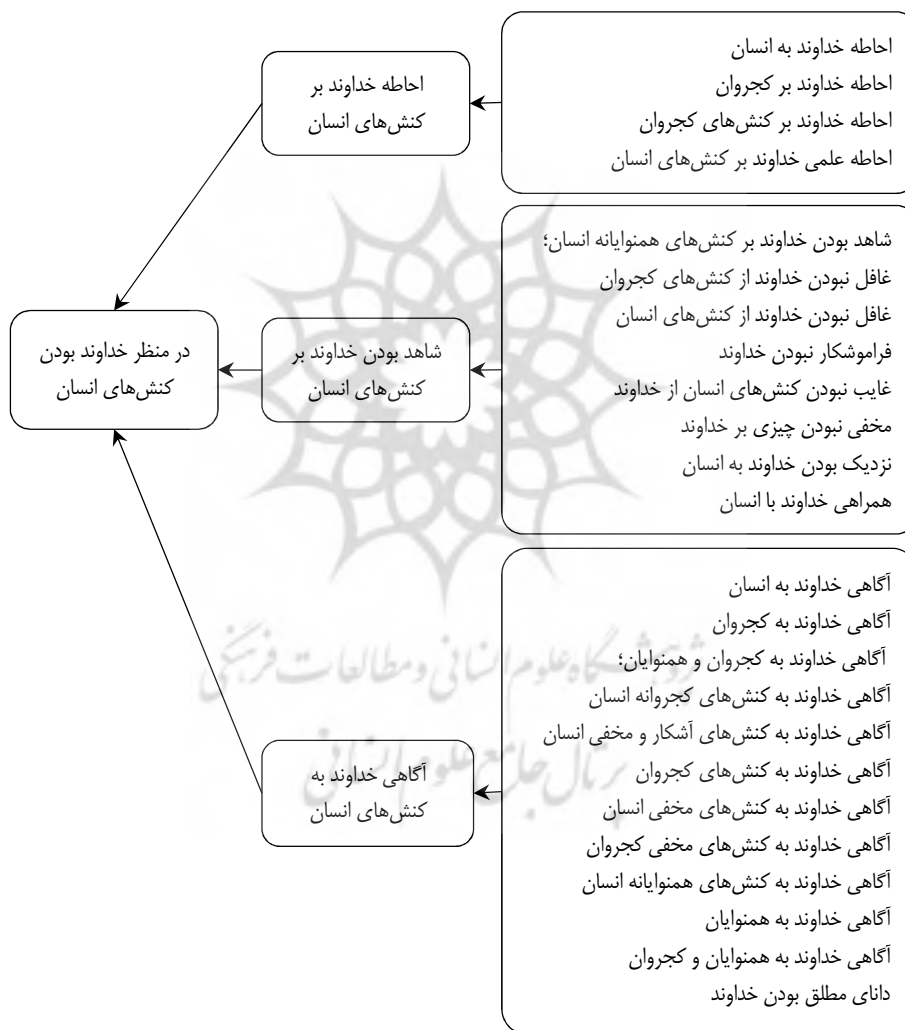
موضوع این مقاله، سازوکارهای نظارت خداوند بر رفتار و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن است. همان‌طور که در بیان مسئله آمد، شیوع تأمل برانگیز رفتارهای نابهنجار در شکل‌های گوناگون، عواطف جامعه اسلامی ایران را جریحه‌دار کرده و موضوع صیانت از کیان دینی جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن را به یک «مسئله اجتماعی» تبدیل کرده است که نیاز به دیدگاه اسلامی برای کنترل آن می‌باشد. در اینجا تلاش شده است که به پرسش‌های مقاله، به گونه‌ای مختصر پاسخ داده شود تا علاوه بر فراهم شدن امکان مرور سریع یافته‌های تحقیق برای خوانندگان، آمادگی لازم برای بحث و نتیجه‌گیری نهایی درباره این موضوع به دست آید.

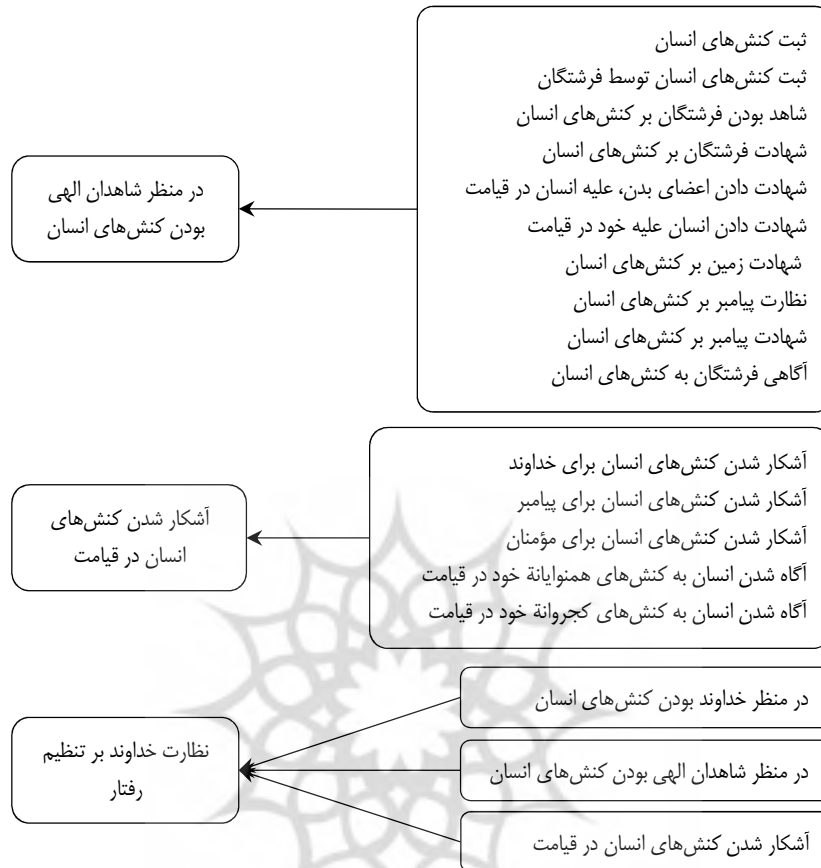
اهمیت «ایمان به نظارت خداوند» از دیدگاه قرآن: همان‌طور که در یادداشت‌های کدگذاری محوری ذکر شد، اهمیت دادن به این موضوع از دیدگاه قرآن از جهات متعددی قابل بررسی است: ۱. اشاره به این موضوع در تعداد زیادی از آیات قرآن (در بیش از ۳۴۷ آیه)؛ ۲. وابسته بودن کارآمدی کنترل‌های مابعدالطبیعی در باب تنظیم رفتار اجتماعی به اعتقاد داشتن به نظارت خداوند؛ ۳. به کار بردن مفاهیم گوناگون، متنوع و متناسب با فهم همه انسان‌ها با توجه به سلسله‌مراتب ایمان، بیانگر اهمیت این موضوع از دیدگاه قرآن است. در احتجاج طبرسی آمده است که شخص بی‌اعتقادی از حضرت صادق (ع) پرسید، علت چیست که دو فرشته مأمور ثبت و ضبط اعمال انسان هستند، با اینکه شما معتقدید که خدایی وجود دارد و او به اسرار و کارهای مخفی و آشکار مردم عالم است؟ حضرت (ع) در جواب فرمودند: این از لطف خداوند است که مقرر فرموده است؛ زیرا موقعی که بندگان بخواهند عمل زشتی را مرتکب شوند، متوجه این می‌شوند که خدا ناظر اعمال آنهاست و دو فرشته ثبت خواهند کرد و در قیامت شهادت می‌دهند و در نتیجه، ممکن است مرتکب آن عمل زشت و مانند آن نشوند. علت دیگری که فرشتگان محاسبه می‌کنند، این است که اگر بندگان عمل نیکو و خیری را انجام دادند، فراموش نمی‌شود و ثبت می‌شود و این خود تقویت قلب و باعث انجام دادن اعمال خیر و کارهای نیکو می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۲۷). در واقع در این حدیث حضرت اعلام شاهد بودن فرشتگان را برای کسانی که توانایی درک حضور مستقیم خداوند را ندارند، نوعی لطف الهی برای تشویق این افراد به رفتار درست و دوری کردن از رفتار نادرست می‌دانند. ۴. اثر ایمان به نظارت خداوند در مهار نابهنجاری‌های اجتماعی.

مکانیزم‌ها و مؤلفه‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان

براساس کدگذاری محوری و گزینشی و با استفاده از مجموع آیات استخراج شده درباره سازوکارهای نظارت خداوند بر رفتار انسان، این سازوکارها و مؤلفه‌های شکل دهنده آنها در نمودار زیر نشان داده شده است:

نمودار ۱: مکانیزم‌ها و مؤلفه‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان





فرایند اثرگذاری نظارت خداوند بر تنظیم رفتار

یکی از عوامل تغییر و اصلاح رفتار این است که شخص توسط دیگران دیده شود. زمانی احتمال اصلاح بیشتر می‌شود که شاهدان به لحاظ موقعیت اجتماعی، پایگاه ارزشی و ویژگی‌های شخصیتی در سطح بالاتری قرار داشته باشند. در بسیاری از موارد، حضور دیگران باعث تقویت و افزایش رفتار می‌شود؛ از این رو، وقتی فرد در برابر دید دیگران قرار می‌گیرد و حضور فرد یا افراد بانفوذ و محترمی را کنار خود درک می‌کند، متقاعد می‌شود که خوب عمل کند. بسیاری از افراد تلاش می‌کنند تا در حضور دیگران، منطقی باشند و به‌طور عاقلانه عمل کنند. به نظر می‌رسد که دو نیروی قوی در انسان، این حالت را ایجاد می‌کنند که عبارت است از: ۱. میل به مقبولیت: همه انسان‌ها از دوران کودکی، گرایش به مقبولیت و پذیرفته شدن را دارند؛ به‌طور کلی، مقبولیت در برابر کسانی مورد توجه قرار می‌گیرد که به لحاظ اخلاقی و شخصیتی در سطح بالاتری باشند، به گونه‌ای که شخص راضی نمی‌شود که چنین افرادی

شاهد رفتار ناسالم یا نقایص و عیوب او باشند. ۲. میل به عملکرد درست: انسان به طور طبیعی میل دارد که رفتار عاقلانه و سنجیده از خود نشان دهد و هیچ کاری نکند که نشانگر عیب و نقص او باشد. این گرایش برای بالا رفتن سطح انگیزتگی در رفتارهای مثبت و پیشگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری مؤثر است (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵ و ۳۰۶).

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «از نشانه‌های خداشناسی زیاد، ترسیدن از خداست»؛ همان طوری که خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ همانا بندگان دانشمند خدا، از خدا می‌ترسند». این ترس به دلیل این است که دانشمندان، خدا را در سرّ ضمیر و دل‌هایشان می‌بینند؛ بنابراین، خداشناسی آنان این گونه است که او را در همه جا ناظر اعمال و حاضر می‌دانند: «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ؛ خدا با شماست، در هر کجا که باشید». پس هر چه معرفت بنده به پروردگارش بیشتر باشد، ترسش از خدا بیشتر می‌شود (دیلمی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۱). علامه مجلسی علاوه بر تعیین هفت درجه برای انسان‌ها از نظر برخورداری از ایمان، گروه چهارم را این گونه معرفی می‌کند: «مرتبه چهارم، کسی که از لحاظ احساس شرم و حیا انجام وظیفه می‌کند، این چنین شخصی همه توجهش به عظمت و جلال خداوندی است و خود را در تمام حالات و جميع اوقات در مرئی و منظر خدا می‌بیند و عقلش خوبی اعمال نیک و زشتی کارهای بد را درک می‌کند و نظری به نعمت‌های دنیوی یا اخروی ندارد، فقط از این لحاظ که خدای بزرگ را همیشه حاضر و ناظر اعمال خود می‌داند، شرم دارد از اینکه در حضور او کار زشتی انجام دهد، چه آن کار ترک واجب باشد یا انجام معصیت» (مجلسی، ۱۳۶۴، ص ۲۰۰).

یقین کردن به مجازات

ایمان به نظارت خداوند به همراه اعتقاد به معاد، سبب قطعی شدن احتمال مجازات در جهان دیگر و نیز امکان محروم ماندن از نعمت‌ها و برخورداری‌های آن جهانی برای شخص می‌شود؛ در واقع، این علتی است که سبب می‌شود تا فرد خود را با احتمال برآورده نشدن انواع «نیازهای ایمنی» و «نیازهای جسمی» در آن جهان روبه‌رو ببیند؛ نیازهایی که به ترتیب او را نیازمند دور ماندن از عذاب و بهره‌مند شدن از انواع آن برخورداری‌ها می‌کند. همچنین، این وضعیت می‌تواند سبب شود تا فرد انواعی از وابستگی‌های عاطفی به موجودهای فراطبیعی را — که در خود ایجاد کرده است یا اینکه ایجاد آن را ممکن یا ضروری می‌داند — از دست بدهد؛ عنصری که فرد را به احتمال ارضا نشدن نیازهای آن جهانی «عشق و تعلق» هشدار می‌دهد و نیز پذیرش و درونی کردن ارزش‌های ریشه‌گرفته در سرچشمه‌های آن جهانی، در کنار باورهایی از این دست که «جهان آخرت، جهان عینیت یافتن شناخت‌های مطابق با

واقع از دیدگاه عموم است»، خطری کاملاً جدی برای انواعی از «ارزشیابی‌های مثبت» شخص است که در مرحله شکل‌گیری «نیازهای احترام»، فرد خود را محتاج آن می‌بیند. ایمان به نظارت دائمی و همه‌جانبه خداوند بر رفتار انسان برای کسی که اعتقاد به معاد دارد، به این معناست که خداوندی که در روز قیامت حاکم است و توانایی مجازات او را دارد، شاهد اعمال اوست. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلْقَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ؛ از معصیت خداوند در پنهان بترسید، زیرا خداوند شاهد، خود درباره شما قضاوت می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴)؛ بنابراین، ایمان به نظارت خداوند، سبب یقین به مجازات می‌شود که این یقین در نوع تصمیم‌گیری شخص برای رفتار و هزینه‌های احتمالی رفتار ناپهنجار تأثیرگذار است. نتیجه چنین حالتی می‌تواند مرجوح شدن گزینه کجروی و درنهایت رها کردن آن باشد.

به صورت خلاصه، موارد و مراحل اثرگذاری نظارت خداوند بر رفتار را می‌توان به شکل

زیر نشان داد:



کاربرد پژوهش

۱. استخراج الگویی مناسب جهت نظارت کارآمد به منظور تنظیم رفتار سازمانی و تنظیم رفتار اعضای جامعه با ابزار جدید؛
۲. استفاده از این مقاله برای آموزش ضمن خدمت کارکنان دولت به منظور تقویت کنترل درونی در آنان برای صیانت از سلامت اداری؛
۳. استفاده از این مقاله در مباحث مشاوره‌ای به منظور تقویت اعتقادات توحیدی مراجعان؛
۴. استفاده مبلغان دینی به منظور تبلیغ مناسب دین و معرفی خداوند؛
۵. معرفی روش مناسب برای پژوهش‌های قرآنی با استفاده از علوم انسانی؛
۶. فراهم آمدن زمینه برای نظریه‌پردازی اسلامی در موضوعات علوم انسانی با روش گراند تئوری؛
۷. آموزش تفسیر موضوعی با موضوع «اعتقاد به نظارت خداوند» برای معلمان و اساتید دانشگاه؛
۸. تدریس در زندان‌ها به منظور بالا بردن سطح معنویت در زندانیان و ایجاد ارتباط آنان با خداوند؛
۹. الگویی مناسب جهت استفاده از آیات قرآن در بیان سایر موضوعات مرتبط با تنظیم رفتار.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه عزت‌الله فولادوند.
نهج البلاغه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶)، قلیل الشرائع، ترجمه هدایت‌الله مسترحمی، چ ۶، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
- استراوس، آنسلم و جولیت کریبن (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمین‌های)، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر دوران.
- جس فیست و گریگوری جی. فیست (۱۳۸۶)؛ نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۷)، ارشاد القلوب، ترجمه سیدعبدالحسین رضایی، چ ۳، تهران: اسلامیه.
- سالاری فر، محمدرضا؛ محمدصادق شجاعی؛ سیدمهدی موسوی و محمد دولت‌خواه (۱۳۸۹)، بهداشت روانی بانگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸)، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار از دیدگاه اسلامی، قم: دارالحدیث.
- شکیبایور، عنایت‌الله (۱۳۶۳)، دائر المعارف روان‌شناسی و روانکاوی، تهران: فروغی.
- شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز (۱۳۸۵)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۹، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- صدوقی، مجید (۱۳۸۶)، پژوهش کیفی در روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران: هستی‌نما.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی جامعه‌شناختی شیوه تصمیم‌گیری و دلایل پس‌انداز مردم مشهد، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چ ۱؛ تهران: نشر آن.
- طالب، مهدی (۱۳۹۱)، شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق کمی و کیفی)، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.

- علی‌احمدی، علیرضا و سعید نهایی (۱۳۸۶)، توصیفی جامع از روش‌های تحقیق (پارادایم‌ها، استراتژی‌ها، طرح‌ها و رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی)، تهران: چ ۲، تولید دانش.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ ۱، تهران: سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجی، حمزه و مهدی گنجی (۱۳۹۱)، نظریه‌های شخصیت، تهران: ساوالان.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸)، روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مازلو، ابراهام اچ. (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴)، بحارالانوار، ج ۶۷ و ۶۸، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، ج ۱، تهران: جامعه‌شناسان.
- مندراس، هانری و ژرژ گورویچ (۱۳۵۶)، مبانی جامعه‌شناسی، چ ۴، تهران: مؤسسه سیمرخ.
- منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی، شیراز: نوید شیراز.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه: مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه عباس منوچهری و همکاران، تهران: مولی.